

اهدا: به زنان رزمنده ایران و به ندا های جاویدان شده آن که در
چند ماه اخیر با خون پاکشان نهال انقلاب ایران را آبیاری کردند!

از لاله زار ما ...

ای غنچه ای نورسته گلزار آرزو
برخیز ز عهد و پیمانت با من سخن بگو
تو گفته بودی وادی را گلزار می کنیم
لاله می کاریم عاری اش از خار می کنیم
می روبیم ابر های سیه مهین ز آسمان
تا بینیم خورشید و ماه و ستاره گان
اکنون بگو آن عهد و پیمانت چه شد
آن هنگامه و شور و فغانت چه شد
برخیز ای خواهر و همسنگر و همرزم من
خالی نساز جای خویش در بزم و انجمن
نیست باورم که چنین وا گذاریم
در کوره راه نبرد تنها گذاریم
من و تو کبوتر یک آشیان بودیم
از چشم خونین خفاشان پنهان بودیم
اکنون که سوی آسمان پرکشودیم
چشمان تیز بین کرگسان ندیدیم
در توفان خشم جلادان زهم جدا شدیم
هریک گرفتار پنجه ای هیولا شدیم





تو فتادی به چنگال گرگان درنده خوی
چه ها با تو کردند خواهر ، بر خیز بمن بگوی
کردند با دشنه ای ناخون جسمت پاره پاره
کردند رخساره ای همچو ماهت پر شیاره
خواهر بر خیز بمن بگو خاموشی چرا ؟
تن پوش نحس و خاموشی ، می پوشی چرا ؟
ای بهترین رفیق همگام و همسنگر
در سوگ تو گردید نبرد ما داغتر
از لاله زار ما گلی گر ببرند سر
روید زخونش هزاران گلی دگر
خواهر بگو ز آخوندان آنجا است خبر
زتازیانه و سنگسار آنجا است اثر
گویند خواهران شلاق بدست ذینب ترا
زود باش بگو ! ز خانه بی حجاب بیرون شدی چرا ؟
یا پیش از اعدام دختران نیکو سرشت
عقدش کنند بخود ، تا نرود در بهشت
خواهر دگر نیستند آنجا شیادان فتنه گر
زتشویش سنگسار و دوزخ ، آرام بخواب دگر .
- آرام بخواب دگر -

* * * * *

